



۱۲

## منیرالدین بیروتی با «بوی مار» آمد

باوجود سهم همچنان کم فیلمسازان خانم در سینمای ایران حضور پررنگ‌تر و روند رو به رشد آنها در سال‌های اخیر محسوس است

## سینما به روایت زنان



گفت‌وگو با صادق کریمیار، نویسنده و کارگردان

## من حکم صادر نمی‌کنم



۱۲

# فرهنگ

چهارشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۹۹ :: شماره ۵۷۵۷



### تجلیل از یک میلیون پیشکسوت دفاع مقدس

همزمان با ۳۱ شهریور، یک میلیون پیشکسوت دفاع مقدس با سخنرانی ویدئو کنفرانسی مقام معظم رهبری تجلیل می‌شوند. آن‌طور که ایسنا نوشته سردار کارگر، رئیس ستاد گرمیاداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس با اعلام این خبر اظهار کرد: مراسم بزرگداشت شهید شهید حاج قاسم سلیمانی و شهدای مدافع حرم نیز برگزار خواهد شد. به گفته او، نمایشگاه ملی دستاوردهای دفاع مقدس نیز در هفته دفاع مقدس افتتاح خواهد شد. سردار کارگر اعلام کرد: از روز دوشنبه ۳۱ شهریور تا دوشنبه ۸ شهریور روزهای هفته دفاع مقدس به ترتیب «اقتدار، ولایت‌مداری، پیشکسوتان و همبستگی ملی»، «جوانان، سربازان و دانش‌پژوهی»، «تولید ملی، آمادگی دفاعی و خودباوری»، «شهیدان، ایثارگران و فخرآفرینان»، «معنویت، خانواده و سلامت»، «از زمین‌دگان، زنان اسوه صبر و مقاومت»، «بصیرت افزایی، دشمن‌شناسی و استکبارستیزی» و «فرماندهان، عزت‌مداران و حماسه‌آفرینان» نامگذاری شده‌است.

او رونمایی از سیره ۴۰ شهید ارتش، تحلیل عملیات‌های دفاع مقدس، رونمایی از سردیس شهید دریابان غلامعلی یابنده، برگزاری کنگره سراسری شهدای طلبه و روحانی، برگزاری یادواره شهدای زن، تبیین نقش وزارت دفاع در دفاع مقدس، رونمایی از ۱۲ دایره‌المعارف استانی نقش نیروی انتظامی در دفاع مقدس، برگزاری همایش عاشورایی دفاع مقدس و تبیین سبک زندگی شهدا و رزمندگان دفاع مقدس را از دیگر برنامه‌های گرمیاداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس بشمرند.

سردار کارگر افتتاح مراکز فرهنگی و موزه دفاع مقدس استان‌های ایلام، اردبیل، البرز، چهارمحال و بختیاری، خراسان رضوی، قم، مرکزی و خوزستان (آبادان)، نشست صمیمی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با جمعی از جوانان مؤمن و انقلابی، برگزاری نمایشگاه اسناد دفاع مقدس، برگزاری جشنواره ملی کتاب دفاع مقدس، برپایی نمایشگاه نقش روحانیت در انقلاب و دفاع مقدس، گردهمایی سراسری فرماندهان پشتیبانی و مهندسی جنگ چهار، رونمایی از کتاب خاطرات رزمندگان وزارت کشور، برپایی نمایشگاه اسناد نقش وزارت اقتصاد

در دفاع مقدس و نمایشگاه اسناد دفاع مقدس در حوزه دیپلماسی و بین‌الملل را نیز ازجمله برنامه‌هایی بشمرند که برگزار خواهند شد.

او در ادامه، همایش صلح و ادبیات مقاومت در دیگر کشورها، مراسم تجلیل از ایثارگران، پزشکان و امدادگران دوران دفاع مقدس، نمایشگاه نقش وزارت بهداشت در دوران دفاع مقدس، مقاومت و مبارزه با کرونا، برگزاری نشست تبیین نقش دفاع مقدس در گام دوم انقلاب و برپایی نمایشگاه دستاوردهای وزارت ارتباطات از دفاع مقدس تاکنون را هم در هفته دفاع مقدس شاهد خواهیم بود.

عکاس خبری مجید در ستروی مرکزی شهر اسلو در روز دیند و این عکس را از او گرفت و برای خالق عروسک‌های پناهجو فرستاد



## سرنوشت‌های گمشده

یک هنرمند، عروسک‌هایی می‌سازد و آنها را به عنوان پناهجو با یک کوله‌پشتی راهی سفر می‌کند



### عروسکم را بساز

شاید از سرنوشت عروسک‌هایم بی‌خبر باشم، اما کسانی در سراسر جهان توسط دوستانم یا از طریق صفحه «سرزمین گمشده من» در جریان ماجرا قرار گرفته‌اند و از من خواسته‌اند عروسکی برایشان بسازم. از جمله خانم سیاهپوستی اهل اردن که حالا در کانادا زندگی می‌کند. او وقتی سرزمینش را ترک کرد، برادر بود و راه دشواری را تا رسیدن به کانادا پشت سر گذاشته بود.

از طریق یکی از دوستانم در کانادا با من ارتباط گرفت و از من خواست عروسکشان را بسازم؛ عروسک یک زن سیاهپوست برادر پناهجو را. حسین هم از من خواسته بود برایش یک عروسک بسازم. می‌خواست به ترکیه برود، اما قبل از این‌که عروسکش را تمام کنم رفت و عجیب آن‌که به عنوان یک مسافر قاچاق، هیچ هراس و دلهره و آشوبی فکر عروسکش را از ذهنش بیرون نکرده بود. برایم نوشت عروسکم چه شد؟ پاسخ دادم حالا که رفته‌ای، چه فرقی دارد؟ برایم نوشت: آینده‌ای پیش روی خودم نمی‌بینم، اما شاید عروسکم عاقبت به خیر شد.

خانمی از یونان پیام داده در هنگامه جنگ جهانی دوم، پدر و مادر بزرگش در ایران پناهجو بوده‌اند و به یاد آورده ایرانی‌ها نه از لباس‌های مستعمل خودشان، بلکه از پارچه‌هایشان به آنها می‌بخشیدند که برای خودشان لباس بدوزند. عروسک‌های من برایم قصه‌هایی از سراسر جهان فرستاده‌اند. داستان آدم‌هایی که شاید فقط درباره عروسک‌های من شنیده باشند، اما خودشان از پناهجویی زخم دارند.

### عکسی از مجید در اسلو

سرنوشت عروسک‌هایم نامعلوم بود، فقط می‌دانستم هر کدام‌شان به کدام کشور رفته‌اند. همین و بس. هر روز ایمیل عروسک‌ها را نگاه کردم تا بالاخره یک روز نامه‌ای رسید از یک عکاس خبری در اسلو. مجید را در ایستگاه مرکزی شهر دیده بود و نامه‌ای را که در دست داشت، خوانده بود. برایم درباره مجید نوشت و بعد با هم گفت‌وگویی داشتیم که در وب‌سایت محلی اسلو به زبان نروژی منتشر شد. این عکاس مثل بسیاری از ما به گرفتن یک عکس موبایلی از مجید بسنده کرده بود. او هم دیگر نمی‌دانست چه اتفاقی برای مجید رخ داده و چه بر سرش آمده است. این سرنوشت میلیون‌ها انسان پناهجو در سراسر جهان است.

### روزی عروسکی

پناهجویی همیشه بوده و در تمام تاریخ، پناهجویانی در سراسر جهان بوده‌اند. در قدم بعدی عروسک‌های افغان را خواهم ساخت و در شهرهای ایران را خواهم کرد. ساخت این عروسک‌ها به لحاظ اقتصادی برایم هزینه دارند، اما به این کار ادامه خواهم داد. تاریخ جهان همیشه پناهجویانی را به خاطر دارد که از جنگ، ویرانی، بی‌عدالتی یا به هر دلیل دیگری به امید فرداهای بهتر، درست یا نادرست سرزمین مادری را ترک کرده‌اند و به سمت مقصدی پراپراهم پیش رفته‌اند. معمولاً بیشتر آنها روزهای تلخ و دشواری را تجربه کرده‌اند حتی کسانی که صاحب سرزمینی تازه شده‌اند.



### دروکله‌بارت چه داری؟

زلزله‌ای تهران را لرزاند و کارشناسان توصیه کرده بودند برای احتیاط یک کیف یا کوله‌پشتی حاوی چیزهایی مثل آب معدنی، کمی نان یا بیسکویت، یک سوت و... دم‌دست‌مان باشد. به این فکر کردم اگر قرار باشد از تمام چیزهایی که دارم، چند قلم را انتخاب کنم و در این کوله‌پشتی بگذارم، چه چیزهایی را انتخاب خواهم کرد. چقدر سخت بود از این همه دلبستگی فقط چند چیز را بردارم که در یک کوله‌پشتی جا می‌شود. آن‌قدر این فکر در سرم بافته شد که رسید به تمام پناهجویان جهان. به کسانی که جنگ، ویرانی، بی‌عدالتی یا هر علت دیگری آنها را از سرزمین مادری رانده است. وقتی داعش به شنگال حمله کرد، دوست داشتم سریع آواره‌های کردستان عراق در ترکیه بروم. دلم می‌خواست از آنها عکاسی کنم. دوست داشتم ببرسم در کوله بارشان چه دارند و از همه هست و نیست‌شان چه چیزهایی برداشته‌اند برای ادامه زندگی امان نشد.

### تولد عروسک‌های پناهجو

تصمیم گرفتم عروسک‌های پناهجو را بسازم. فکر و خیال بچه‌های گمشده در سوریه از من می‌خواست عروسک‌ها کودک باشند، اما بچه‌ها با سرزمین‌های تازه زود اخت می‌شوند و خاطره ندارند. ولی آدم‌بزرگ‌ها خاطره‌ها را در خاک‌شان جا می‌گذارند و سخت دل می‌کنند. این شد که عروسک‌های پناهجو را این‌طور ساختم. همه آنها یک کیف یا کوله‌پشتی دارند. برایشان اسم گذاشتم، شناسنامه ساختم و از لباس‌ها و کیف‌های خودم برایشان لباس و کفش و کیف دوختم. در کوله‌پشتی هر کدام‌شان چیزهای کمی هست به‌علاوه یک برگ کاغذ که در آن نوشته شده: من یک پناهجو هستم. سرنوشت من به تصمیم شما بستگی دارد.



آذر مهاجر

ادبیات و هنر



### همشهری نقاش شهریار



روز گذشته سالمرگ جعفر پتگر  
نقاش معاصر ایرانی بود

جعفر پتگر متولد ۱۲۹۹ و درگذشته به تاریخ ۲۸ شهریور ۱۳۹۴، زاده تبریز و از استادان معاصر نقاشی و نگارگری فرش، در ایران بود. از مشهورترین آثار او در نقاشی می‌توان از رفوگر، قالی فروشان دوره گرد، قهوه‌خانه امیرآباد، مکتب قرآن، خانه نقاش، مرغ فروش، از اینجا تا ابدیت و شهریار یاد کرد، که در موزه هنرهای معاصر تهران نگهداری می‌شوند. جعفر، هر روز ساعت‌ها روی تخته‌سنگی در گوشه حیاط می‌نشست و غرق در تماشای درختان و پرندگان و جوی آب و هلهله همسایگان می‌شد و از مشاهده این‌همه زیبایی در طبیعت لذت می‌برد. وقتی حیاط خانه خلوت می‌شد، جعفر مدارنگی‌ها و دفترگاهی کوچکش را به حیاط می‌آورد و نقش‌های ساده‌ای از مناظر باغچه‌ها نقاشی می‌کرد و بعدتر هم پایش باز شد به کارگاه قالیبافی. او ۵۰ سال بعد در نوشته‌ای از آن ایام چنین یاد می‌کند:

«همراه پدر و برادر بزرگم، به کارگاه قالیبافی می‌رفتم. گرچه تلخی اندیشیدن درباره کارگران نوجوان قالیباف، که مجبور بودند به‌جای تحصیل یادداشت به نشاط‌های متناسب سن‌شان، به کار و کسب درآمد بپردازند، از همان ابتدا، روح مرا مجروح و آزرد می‌کرد، ولی جمال نقوش قالی‌ها مرا به کارگاه می‌کشاند و ساعت‌ها با تماشای رنگ‌ها و طرح‌های خیال‌انگیز آنها مات‌ومبهوت می‌ماندم و خودم را مشغول تفرج در باغ مصفا می‌تصور می‌کردم که حتی شمیم گل‌های خوشبوی آن را استشمام می‌کردم؛ و نیز صدای دل‌انگیز آب‌ها و نغمه بهشتی پرندگان را می‌شنیدم؛ و در نظر من، هر قالی‌نمایش‌گوشه‌ای از بهشت بود؛ و من از سیر و سیاحت در آن بوستان‌های بی‌خران، خسته نمی‌شدم.» شهریار (محمدحسین بهجت‌تبریزی) که با پتگر، همشهری بوده و مشترکات ذوقی و هنری بیشتری نسبت به دیگران داشتند، مدتی با استاد هم‌خانه بودند. تابلوی خانه نقاش، همین خانه را تصویر کرده است که در تهران، خیابان ری، کوچه آبشار واقع است. انس و الفت پتگر با شهریار، در حدی بود که پرتکه‌ای از او نقاشی کرده است و گهگاه، همراه شهریار، به منزل ابوالحسن خان صبا نیز رفته با ایشان و سایر اهل موسیقی، ملاقات داشتند.

